روزنامه شرق

جهان . اندیشه

دور برگردان قاهره به سمت مسکو — صفحه ۸

علم، فعالیتی انسانی — صفحه ۹

جوان‌ها با «نبرد قبیله‌ها» سرگرم می‌شوند — صفحه ۱۰

عکس: Reuters

داغ ۲۰۰۴ «فلوجه»

تانیا تجلی

برچیدن چادرهای معترضان سنی در ۳۰دسامبر با تصمیم دولت عراق در استان انبار، خشونتی را رقم زد که شعله‌هایش خاموش‌نشدنی است. فلوجه و رمادی دو شـهر سنی‌نشین استان الانبار طی چند روز گذشته، درگیر آتش و آشوب بودند. سنی‌ها می‌خواستند با تحصن در این محل، اعتراض خود را به آنچه از نظر آنها به حاشیه‌رانده‌شدن اقلیت و سرکوب سیاستمداران سنی بود نشان دهند. آنان دولت را به تبعیض و نادیده‌گرفتن نیازهای خود متهم می‌کنند و همین عامل، نارضایتی آنها از دولت را بیشتر کرده است. چند روز پیش از آن، بازداشت احمد العلوانی، یکی از نمایندگان سنی‌مذهب پارلمان عراق، در شهر رمادی به رویارویی خشونت‌باری منجر شده بود؛ خشونت‌هایی که پای گروه‌های وابسته به القاعده را به این کشور باز کرد. گرچه شبه‌نظامیان وابسته به القاعده در این اعتراض‌ها نقشی نداشتند اما اقدام دولت‌مالکی با واکنش شبه‌نظامیان القاعده «حکومت اسلامی عراق و شام» روبه‌رو شد. پیش از این نوری‌مالکی نسبت به انتقال بحران سوریه به عراق هشدار داده بود. او گفته بود سوریه صحنه جنگ داخلی است که برخی با فتنه‌افکنی می‌خواهند آن را به عراق نیز سـرایت دهند. حالا هشـدار مالکی رنگ جدی به خود گرفته است. قدرت‌گیری القاعده در عراق ناشی از برخورد دولت با اپوزیسیون سنی‌مذهب بود. دلیل دیگر این خشـونت‌ها هم خروج عجولانه آمریکا از این کشور و ناکامی دیپلماتیک این کشور در عراق بود. تحلیلگران معتقدند افتادن شهر فلوجه به دست القاعده با توجه به اینکه سخت‌ترین نبردهای آمریکا در دوران جنگ عراق در این منطقه بوده شکست سختی برای سیاست خارجی آمریکاست. «جان مک‌کین» و «لیندسـی گراهام» دولت اوباما را مقصر این فاجعه ارزیابی کردند. این دو سـناتور جمهوریخواه آمریکایی ضمن انتقاد از سیاست‌های خاورمیانه‌ای اوباما در بیانیه‌ای اعلام کردند زمانی که اوباما همه نیروهای خود را از عراق بیرون کشید خیلی از ما پیش‌بینی می‌کردیم که این شکاف توسط دشمنان آمریکا پر می‌شود. این واقعیت حالا واضح‌تر از قبل مشـخص است. هزاران آمریکایی شجاع جنگیدند، خونشان ریخته شـد و دوسـتان خود را برای آوردن صلح به فلوجه و عراق از دست دادند؛ آنها اکنون از این متعجبند که این قربانی‌ها به هدر رفته‌اند. گرچه این دو سناتور جمهوریخواه از منتقدان اوباما درباره این مساله هستند اما جان کری با اعلام اینکه مبارزه در فلوجه، مبارزه‌ای اسـت که به خود عراقی‌ها تعلق دارد، نظرش را درباره اقدامات آمریکا اعلام کرد. وزیرخارجه آمریکا گفت این دقیقا همان تصمیمی است که چندی پیش یعنی هنگام خروج از عراق از سوی رییس‌جمهور و جهان گرفته شد. بنابراین ما قصد بازگشت دوباره به عراق را نداریم. اما با این حال کری متعهد شـد که برای برقراری ثبات در عراق به این کشور کمک خواهند کرد. با این حال تحلیلگران معتقدند سقوط این دو شهر، مشکلات بیشتری را در عراق و افغانستان پیش‌روی ایالات‌متحده خواهد گذاشت. دولت آمریکا قادر به معامله امنیتی با دولت عراق نشـد. همان‌طور که در حال حاضر تلاش آمریکا در افغانستان برای امضای معاهده امنیتی تاکنون بی‌نتیجه مانده است. چه آنکه حامد کرزای، رییس‌جمهور افغانستان هم از امضای توافقنامه‌ای که به آمریکایی‌ها پس از خروج از افغانستان اجازه حضور در این کشـور را دهد خودداری کرد. نباید اجازه داد آنچه اکنون در عراق می‌افتد در افغانسـتان رخ دهد. ۱۰سـال پیش ایالات متحده آمریکا در دو عملیات عمده علیه شـبه‌نظامیان به فلوجه حمله کرد. حالا انگار بازیگران تغییر کرده‌اند و به نظر می‌رسد تاریخ خودش را تکرار می‌کند. آمریکا و نیروهای متحدش در سـال ۲۰۰۴ به این نتیجه رسـیدند که محاصره فلوجه در چند روز و هفته به پایان نخواهد رسید. جنگ اول فلوجه در سال ۲۰۰۳، ۱۳کشته و ۷۵زخمی برجای گذاشـت. در سـال ۲۰۰۴ هم نبرد دوم فلوجه رقم خورد. نیروهای ارتش آمریکا در نوامبر سـال ۲۰۰۴ میلادی بیش از سـه‌هفته زمان برای تصرف شهر فلوجه صرف کردند. ارتش آمریکا برای شکسـت رقیب خود در فلوجه از بمباران هوایی، آتش توپخانه و گلوله‌های فسفر سفید استفاده کرده بود. تفنگداران آمریکایی در سـال ۲۰۰۴ جنگ خونینی را در فلوجه تجربه کردنـد و ارتش آمریکا در نوامبر ۲۰۰۴، چندین نفر از نفراتش را از دسـت داد. بر اسـاس آمار رسمی در این نبرد ۴۰۷نفر کشـته و هزارو۲۰۰نفر زخمی شدند، اما منابع غیررسمی آمار دیگری از کشته و زخمی‌شـدگان دادند. بر اسـاس این آمار هزارو۳۶۰نفر کشته شدند. به گزارش ایندیپندنت تاثیرات حملات متعدد آمریکا به شـهر فلوجه تا حدی است که مبتلایان به انواع سـرطان‌ها و تولد نوزادان ناقص‌الخلقه در این شهر به مراتب بیشتر از دو شهر هیروشیما و ناکازاکی است که در سال ۱۹۴۵ مورد حمله هسته‌ای آمریکا قرار گرفت. از سال ۲۰۰۵ تاکنون در شهر فلوجه کودکان ناقص‌الخلقه به‌دنیا می‌آیند به‌گونه‌ای که برخی از آنان دوسر دارند و همچنین کودکانی هستند که از انواع مختلف سرطان‌ها در رنج و عذابند. قصه حمله آمریکا به فلوجه از آنجا شروع شـد که چهارنفر از نیروهای امنیتی شرکت «بلک واتر» در این شهر کشته شدند بعد از آن پیاده‌نظام آمریکا این شـهر را در محاصره قرار داد و سـپس به‌شدت به این شـهر با استفاده از توپخانه و بمباران هوایی حمله کرد. این درحالی است که ارتش آمریکا به استفاده از فسفر سفید و دیگر انواع سلاح‌های کشتارجمعی اعتراف کرده است. محققان دریافتند که مبتلایان به سرطان خون در فلوجه ۳۸برابر شده و سرطان سینه هم در بین زنان فلوجه ۱۰برابر و مبتلایان به سرطان غدد لنفاوی هم بسیار زیاد شده است. در گزارشی که توسط پزشکان محقق در فلوجه با عنوان «سـرطان، مرگ‌ومیر نوزادان در سـال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵» منتشر شد اعلام شده از هر هزار نوزادی که در عراق متولد می‌شـوند ۸۰نفر ناقص‌الخلقه هستند. آنچه به نگرانی‌ها در این مورد افزود نه‌تنها شیوع سرطان بلکه سرعت رشد سرطان در فلوجه بود. روزنامه واشنگتن‌پست در شماره پنج امسالش نوشت که جنگ فلوجه در سال ۲۰۰۴ «برای نیروهای آمریکایی یک تقابل مرگبار در جنگ عراق و یکی از خونین‌ترین جنگ‌هایش بعد ازجنگ ویتنام بوده است.» تحلیلگران مدعی‌اند که اگر در سـال ۲۰۰۹ و اوایل سـال ۲۰۱۰ آمریکا دیپلماسی خود را در عراق تغییر می‌داد می‌توانست مانع تنش‌هایی شود که منجر به خشونت‌های هفته گذشته شد.

دخالت بیگانگان را پایانی نیست

باز هم، «جنگ نیابتی» در عراق

مردم عراق همچنان در حال پرداخت بهای گزاف حمله سـنگین ۲۰۰۳ هسـتند، در حالی که خطر جدایی به‌ویژه در مناطق مرزی هرچه بیشـتر این کشور را تهدید می‌کند، ناآرامی‌هـا باعث به‌قدرت‌رسـیدن هرچه بیشـتر گروه‌های افراطی در خطوط مرزی این کشور شده است. در حالی که به نظر می‌رسـد عراق در معرض خطر جدایی و تقسیم قرار گرفته، دولت تحت حاکمیت نخست‌وزیر، نوری مالکی دچار نابسامانی شده است. در عین حال به نظر می‌رسد که عراق تبدیل به منطقه‌ای مهم و حسـاس شده عربستان‌سعودی حمایـت از گروه‌های سـنی این کشـور را برعهـده گرفته اسـت؛ گروه‌هایی که معتقدند در حکومت تحت حاکمیت نوری مالکی مورد تبعیض واقع و به حاشـیه رانده شده‌اند، به این‌ترتیب با ادامه روند کنونی حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت. زمانی که ایالات متحده آمریکا به‌همـراه دو متحد خود بریتانیا و استرالیا در مارس ۲۰۰۳ به کشور عراق حمله کرد، هدف این حمله بر اساس ادعای دولت آمریکا تبدیل کشور عراق به یک دموکراسی پایدار و ثابت بود، این حمله اگرچه در ابتدا باعث سرنگونی دولت دیکتاتوری صدام حسین شد اما در ادامه به تخریب دولت این کشور نیز انجامید.

با وجود ازدسـت‌دادن حـدود چهارهزار سـرباز و بدون درنظرگرفتن شـمار زخمی‌های این جنگ و صرف هزینه‌ای معادل یک‌تریلیون‌دلار، ایالات‌متحده هرگز نتوانست به اهدافی که جنگ را با بهانه آنها آغاز کرد دست یابد و در نهایت مجبور به تخلیه نیروهای خود از این کشور تا پایان سال ۲۰۱۱ شد، در حالی که میراثی از جنگ‌های داخلی و درگیری‌های جناحی و فرقـه‌ای برای این کشـور به‌جا گذاشـت؛ میراثی که باعث ایجاد فضایی ناامن در این کشور شده است و سالانه منجر به کشته‌شدن نه‌تنها صدها بلکه هزاران عراقی می‌شود، بر اساس آمار اعلام‌شده تنها در سال ۲۰۱۳ حدود هشت‌هزارنفر از افراد غیرنظامی در عراق جان خود را از دسـت داده‌اند، همچنین در سال‌جاری وقوع انفجارهای پی‌درپی بمب‌گذاران انتحاری و تروریست‌ها، آدم‌ربایی و سرقت‌های کوچک و بزرگ بغداد را به شهری ناامن برای ساکنان آن تبدیل کرده است، تا جایی که امـروز هیچ‌کس اوضاع کنونی عراق را امن‌تر از زمان حکومت صدام حسین بر این کشور نمی‌داند. در حال حاضر عراق تبدیل به محلی مناسب برای گروه‌های افراطی که از طرف قدرت‌های گوناگون خارج از این کشور حمایت می‌شوند شده است. حالا گروه القاعده که تا پیش از حمله آمریکا در این کشور حضور نداشـت هم‌اکنون به یکی از گروه‌های اصلـی افراطی عراق تبدیل شده است. همچنین گروه وابسته به القاعده که تحت عنوان حکومت اسلامی عراق و شام شناخته می‌شوند پایگاهی قوی در اسـتان غربی عراق با نام «انبار» دارد گفتنی است که بیش از ۲۰درصد اقلیت سنی این کشور در استان انبار زندگی می‌کننـد در حالی که رهبران قبایل آنها نیز با یکدیگر علیه حکومت مالکی پیمان اتحاد بسته‌اند. القاعده و متحدانش اخیرا موفق شده‌اند کنترل یکی از شهرهای کلیدی استان انبار به نام فلوجه را که در زمان اشغال آمریکایی‌ها صحنه درگیری‌های خونین بود به دست آورند. آنها همچنین حملات شدیدی را در رمادی، یکی دیگر از شهرهای استان انبار آغاز کرده‌اند که باعث چالش عظیم دولت مرکزی شده است. این در حالی است که جمعیت کردهای عراق که همانند جمعیت سنی‌های این کشور حدود ۲۰درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند نیز اقدام به تشـکیل دولت خودمختار در شـمال این کشور کرده‌اند، به‌این‌ترتیب به نظر می‌رسـد که روند بالکانیزه‌شدن یا به عبارتی دیگر تقسیم این کشور چندقومیتی به کشورهای کوچک‌تر به دنبال بروز جنگ‌های داخلی در حال وقوع است. به‌این‌ترتیب شرایط نامسـاعد عراق به همراه بحران سوریه و تاثیر این شـرایط بحرانی بر کشورهای همسایه این منطقه و به طور مشخص لبنان، دولت اوباما را دچار سردرگمی عظیم در برابـر اقداماتی که باید در منطقه انجام دهد کرده، این در حالی است که در حال حاضر ایالات متحده آمریکا دیگر نقشی تعیین‌کننده در اوضاع عراق ندارد و در موقعیتی نیسـت که بتواند اقدامات چندانی انجام دهد. در این شرایط به‌نظر می‌رسد بحران عراق به مساله‌ای جدی بین دو قطب قدرتمند شیعه و سنی تبدیل شده است. از طرف دیگر آنکارا نیز به دقت نظاره‌گر کردهای عراق است تا اطمینان حاصل کند مبادا کردهای عراق در صدد استقلال‌طلبی خود برآیند که در این صورت به اقلیت کردهای ترکیه نیز در جهت استقلال‌طلبی آنها کمک خواهند کرد. رییس‌جمهوری سابق آمریکا جورج دبلیوبوش و متحدان بین‌المللی بریتانیایی و استرالیایی آن زمانش تونی بلر و جان هـوارد بایـد اقرار کنند که حمله نظامی آنهـا به عراق کاملا اشـتباه بوده و نه تنها با این حملات خسارات جبران‌ناپذیری بر مردم عراق تحمیل کرده بلکه به منافع کشورهای خود نیز زیان بسیاری وارد کرده‌اند، هرچند این کشورها ممکن است با غرور و افتخار از سرنگونی صدام حسین و رژیم دیکتاتوری‌اش به‌عنوان دسـتاورد حمله به عراق یاد کنند ولی حقیقت این است که در مقایسه با وضعیت نابسامان آمیخته از وحشت و جنگ و خونریزی کنونی حاکم بر این کشور، سرنگونی صدام حسین دستاورد بسیاربسیار کوچکی است، این در حالی است که در زمان حمله به عراق، کشـورهای مذکور تمامی دلایلی که حمله به عراق را کاری نادرست می‌دانست، نادیده گرفتند بنابراین در شـرایط کنونی این کشورها باید پاسخگوی بهای گزافی که مردم عراق به دلیل بی‌تدبیری آنها می‌پردازند، باشند. با توجه به شباهت‌های بسـیار دو کشور افغانستان و عراق و خروج نیروهای نظامی آمریکا و متحدانش تا پایان سال‌جاری، کشورهای مذکور باید از گذشته و آنچه که در عراق اتفاق افتاد درس بگیرند و اقدامات پیشگیرانه لازم را انجام دهند تا آنچه در عراق اتفاق افتاد تکرار نشده و افغانستان به سرنوشت کنونی عراق دچار نشود.

آنچه مسـلم اسـت اوضاع کنونی عراق بسـیار نامساعد است، بنابراین دولت عراق باید سـه اقدام فوری را در جهت نجات این کشـور و خروج از بحران کنونی انجام دهد. اقدام نخست این اسـت که دولت نوری مالکی قدرت خود را بین گروه‌های مختلف این کشـور از جمله سنی‌ها تقسیم کند و اجازه مشارکت در امور کشور را به گروه‌های مختلف این کشور بدهد و برای هر گروه حقوق مسـاوی در نظر بگیرد تا جایی که هیچ گروه خاصی حق وتو نداشته باشد. دومین اقدام این است که رهبران این کشور تا قبل از برگزاری انتخابات مجلس این کشـور در ماه آوریل سـال‌جاری به یک اجماع و وحدت ملی دست یابند، سومین راه‌حل این است که دبیرکل سازمان ملل متحد با حمایت پنج عضو دایم شورای امنیت اجلاسی منطقه‌ای را با حضور کشورهای همسایه عراق برگزار کند و در آن به توافقی کلی با کشورهای همسایه پیرامون اوضاع کنونی عراق دست یابد. اگرچه به نظر نمی‌رسد هیچ‌کدام از اقدامات موجود در آینده نزدیک اتفاق بیفتد تا بلکه بتواند از آلام کنونی مردم عراق بکاهد. این مقاله به قلم امین سیکل، استاد علوم سیاسی و مدیر مرکز مطالعات عربی و اسلامی (خاورمیانه و آسیای مرکزی) در دانشگاه ملی استرالیا و همچنین نویسنده کتاب در دست انتشار منطقه بحران نوشته شده است.

عکس‌ها: AP

دریچه

طرف‌های درگیر در «الانبار»

اگر بخواهیـم نبردهای جـاری در عراق را که از دوهفته پیش شـروع شده و همچنان اسـتمرار دارد خلاصه کنیم می‌توان گفت این نبردها بین سه طرف اصلی در جریان بوده اسـت: یکی ارتش عراق و پشت سرش دولتی که اهل سنت آن را بـه طایفه‌گری متهـم می‌کند و می‌گوید یکی از آخرین دلایلش بازداشت احمد العلوانی نمایند سنی‌ها در مجلس بود. دولت عراق می‌گوید هدفش سرکوب گروه‌های تروریستی در این منطقه است. دیگری مردم سـاکن اسـتان الانبار که عموما اهل سنت بوده و می‌گویند ارتش اجازه داخل‌شدن به شهرها را ندارد. آنها درعین حال نمی‌خواهند که مناطق‌شان تحت تسلط گروه «دولت اسلامی عراق و شام» یا همان «داعش» درآید. طرف سوم نیز خود همین گروه موسـوم به داعش است که از یک‌طرف حاضر است تا حد مرگ با شـیعیان بجنگد زیرا به‌نظرش شیعه‌بودن خود اتهامی است مستوجب مرگ و از سوی دیگر حاضر است با تمام اهل سنتی که حاضر به همراهی با این گروه نباشـند نبرد کند. چرا؟ به دلایل عشایری یا آموزشی یا طبقاتی که شرح آنهـا مفصل خواهد بـود و گروه داعش خـود را نماینده اینها می‌دانـد. به زبان

دیگر در این منطقه هیچ‌کس دیگری را دوسـت ندارد. الانبار منطقه‌ای است که تفرقه‌های مذهبی بر تفرقه‌های اجتماعی افزوده و این دو مزید بر علت شـده و در مجموع نزاع‌ها و تشـتت‌ها و جدال‌های پیدا و پنهان متعدد و تودرتویی را پدید آورده است.

اگـر بپذیریـم که داعـش هرچه را می‌گوید خطا و اشـتباه است نمی‌توان از دوطـرف دیگر پذیرفـت که مرتکب چنان خطاهایی شوند. این مساله را باید پذیرفت که هر گروهی بخشی از حقیقت را به همراه بخشـی از باطل با خود دارد. اهل انبـار وقتی می‌گویند بـه ارتش و دولت اعتماد ندارند شـاید حق داشـته باشند. زیرا این امر تاکنون بارها برایشان به اثبات رسـیده اسـت. آنها می‌گویند گروه‌هایی در حاشـیه دولت و نیروهای امنیتی هستند که تاکنون بارها درصدد قتل و طرد گروه‌های اهل سنت برآمده یا تصمیم داشته‌اند از رهبرانشان انتقام بگیرند. اهل سنت همچنین می‌گویند ارتش و دولـت عراق برنامه‌های دیگران را بـه اجـرا می‌گذارند. از طـرف دیگر ارتش و دولت عراق هم به‌نظر می‌رسـد درسـت می‌گویند. زیرا از مدت‌ها پیش این گروه‌های تروریسـتی سنی بوده‌اند که شـیعیان را در اماکن مختلف هدف قـرار داده و هرروز آنهـا را به کام مرگ می‌کشانند. با این حال باید گفت وقتی دولت دست یک گروه باشد خود به خود تضعیف می‌شـود. از سـوی دیگر وقتی عشـایر یک منطقه از جمله انبار ادعای اسـتقلال و جدایی از حکومت مرکزی می‌کنند خودبه‌خـود تضعیف و منزوی خواهند شـد. چون در بین این دو ادعا راهی جز جنگ باقی نمی‌ماند و هرطرف سعی می‌کند قدرت و سلطه خودش را بر طرف دیگر اعمال کند.

ادامه در صفحه ۸

کم نما

داستان‌های کمتر دیده شده ۲۰۱۳

حمیدرضا آریان‌پور

مادلین مک‌کین، دخترک چشـم‌آبی مـو بلونـد بریتانیایی که در تعطیلات پرتغال خانواده، گم شـد، در سـال ۲۰۰۷ ماه‌ها تیتر اخبار بود. پوشش اخبار وابسته به او تا حد «مرگ دایانا» رسید و رویدادهای پرشمار آن روزهای جهان را تحت‌تاثیر قرار داد. مساله او مهم بود که دیگر بار، داستان کولی‌ها یا اتهام‌های خانوادگی را پیش کشید، اما آنچه خبرساز بود تنها زیبایی مادلین بود. هزارهزار دخترکان و پسرکانی که در جای‌جای جهان آبسـتن تجاوزند یا باربر سـلاح‌های همقدشان، هرگز مانند او جلب توجه نکرده‌اند. شاید چون از «دیگران» هستند، شاید چون زشت و ژنده‌پوش. شاید زیبایی- هدیه طبیعت که ناعادلانه پخش‌شده- و ثروت ناموزون- هدیه ناکارآمدی نظام‌های بشـری- برای نویسـنده و خواننده خبر، جذاب است. چیزهای بسیاری مانند زیبایی و ثروت- که ارزش‌های واقعی‌اند- پوشاننده داستان‌های پراهمیت دیگر شده‌اند. از نخستین آموزه‌های پوشش و تحلیل خبر، آن است که در میان صدها خبر باید اخبار را بر پایه اهمیت، دسته‌بندی کرد. در این میان گاه مسـایل جذاب و گاه انگیزه‌های نادرسـت و گاه فقط تعدد اخبار باعث نادیده‌ماندن اتفاقات تاثیرگذار می‌شود. جذابیت‌های عوامانه، مقاصد سیاسـی، اقتصادی یا اجتماعـی و گاه عصر اطلاعات، عامل چنین اشتباهاتی است. سال ۲۰۱۳ از این قاعده مستثنا نبود برای اخبار خوب و بد.

یکی از داستان‌هایی که کمتر دیده شد، صلح در غرب کنگو بود. صلح رسما از سال ۲۰۰۳ شکل گرفته بود اما گروه‌های شورشی و جدایی‌طلبان به فعالیت ادامه می‌دادند. در سال ۲۰۱۳ ولی چند رهبر آفریقایی به‌همراه مقامات سـازمان ملل، چارچوبی برای حل بحران، طرح ریختند. کشاندن گروه شـبه‌نظامی «۲۳ مارس» پیروزی قابل‌توجهی برای بان کی مون بود که کمتر دیده شـد. این صلح اگر در سـال‌های آینده پایدار شود یکی از پرتنش‌ترین مناطق آفریقا را به آرامش خواهد رسـاند. دعوا بر سر مناطق قطبی هم از این داسـتان‌ها بود. قلمروهایی که شاید در دهه‌های پیش‌رو عامل نزاع‌های شـدیدتر شوند و حالا باید فکری به حالشان کرد. رقابت بر سر منابع طبیعی قطب شمال و قلمروهای قطب جنوب همیشه بوده، اما در سال ۲۰۱۳ با بالاگرفتن رقابت روسیه و کانادا به تهدیدهای نظامی هم کشیده شد. اما بی‌توجهی، همیشه به اخبار خوب چون کنیا و آرام چون قطب نبود. به هرج‌ومرج جمهوری آفریقای‌مرکزی توجه نشد تا زمانی که شمار زیادی از شهروندان کشته شده بودند و این همان اتفاقی بود که برای عراق افتاد. در تمام طول سـال، اوج‌گیری دوباره نزاع‌های فرقه‌ای، آشـکار بود و در این‌باره هم بسیار نوشته شد، اما توجه به این مساله در رسانه‌های گوناگون، متناسـب با حجم پیامدهای آن نبود. حالا در نخستین روزهای سال میلادی، منطقه‌ای از این کشور به دست «دولت عراق و شام» افتاده که اگر بازپس‌گیری هم شود آخرین مورد نخواهد بود و باز همین اتفاق برای لیبی افتاد و این کشور هم در سال ۲۰۱۴ تیتر اخباری خواهد بود که شاید توجه بیشتر رسانه‌ها در ۲۰۱۳ باعث تدبیر بیشتر می‌شد. داستان دیگر، برد دولت ژاپن در منطقه جنوب شرق آسیا بود. سیاست‌های اقتصادی شینزوآبه در نخستین سال بازگشتش به قدرت، بسیار مورد توجه بود، اما پیروزی‌های اقتصادی- دیپلماتیک او کمتر به چشم آمد. او اولین نخست‌وزیر ژاپن است که از همه کشورهای «آسه‌آن» بازدید کرده، افزون بر آن اوراق قرضه دولتی کشـورها را خریده و کمک‌های بسیاری به دولت‌های منطقه کرده است. تنش با چین البته دردسرساز خواهد بود.

در سال ۲۰۱۳ ولی هرچه به «آبه نومیک»- اقتصاد دولت آبه- توجه شد، سیاست‌های اقتصادی انریکه پنا نیتو، رییس‌جمهور مکزیک مورد بی‌توجهی بود. تنها در روزهای پایانی سال بود که از دستاوردهای بزرگ او یاد می‌شد. او از زمان انتخاب در سـال ۲۰۱۲ و در سـال ۲۰۱۳ اصلاحاتی کم‌سابقه را در مکزیـک رهبری کرد که آمـوزش، ارتباطات، بخش مالی، صنعت انرژی و... را تحت‌تاثیر قرار داده اسـت. پیشـرفت‌های دولت او را، انقلابی توصیف کرده‌اند. داستان‌هایی هم هستند که صرفا وابسته سیاست بین‌الملل نیستند امـا با اثراتی کـه بر زندگانی میلیون‌ها نفر می‌گذارنـد مهمند، خوب یا بد. پیشـرفت در درمان ایدز یکی از این اخبار خوب بود، میان‌هزاران پیشرفت دیگر فناوری در صنایعی که وابسته به رفاه و سلامت انسان هستند. در سال ۲۰۱۳ برای نخسـتین‌بار یک نوزاد اچ‌آی‌وی مثبت به گونه‌ای واقعی درمان شد. اخبار دیگری موثر بر زندگی مردمان هم هستند که دید رسانه‌ها به آنها البته متفاوت است. داستانی که در رسانه‌های محافظه‌کار شرقی کمتر مورد توجه قرار گرفت، شمار کم‌سابقه کشورهایی بود که حقوق همجنس‌گرایان را به رسمیت شناختند. چه موافقان و چه مخالفان چنین رویکردهایی بر سر این همدلند که این رویدادها بر زندگی جامعه تاثیرگذار است. خبر دیگری که شبیه آن بود قانونی‌شدن استفاده از موادمخدر در برخی کشورها بود که تعدادشـان قابل توجه بود. اما رخدادی دیگر، درسـت عکس این دو عمل کرد. کشتار مسلمانان در برمه که بیشتر شبیه نوعی نسل‌کشی بود، هرچه در جوامع مسـلمان مورد توجه بود، در غرب میان اخبار پرشمار سیاسی و اقتصادی گم شد. گرچه این کشتار بارهاوبارها تیتر رسانه‌ها شد اما از توجهی که شایسته نسل‌کشی است، خبری نبود. در هر حال، خوشبختانه - بیشتر متاسفانه- همچنان در میان اخبار کمتردیده‌شده اخباری هم هست که نه هدفی شوم، نه خطای دست‌اندرکاران رسانه‌ها، که تنها جذاب‌نبودن آنها برای مخاطب متوسط، باعث کمتردیده‌شدن آنها بوده است. در سال ۲۰۱۳ جهان از همیشه تاریخ، وضعیت بهتری داشـت در رابطه با نیازهای پایه انسان‌ها. حالا صحبت از آن اسـت که ظرف ۲۰سـال، فقر در بسیاری از کشورهای جهان ریشه‌کن خواهد شد و در آینده‌ای نه‌چندان‌دور از کل جهان. «گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۳ سازمان ملل‌متحد» خبر از آن می‌دهد که «هرگز در تاریخ شرایط و چشم‌اندازهای زندگی، چنان شمار بزرگی از انسان‌ها اینگونه دگرگون نشده‌اند.» از این پس در طول سال و نه فقط در آغاز سال میلادی، سه‌شنبه‌ها در این سـتون رویدادهای مهم کمتر مورد توجه قرار گرفته در رسانه‌های جهان یا ایران را مرور خواهیم کرد.